

## ایران و مصر در راه تقریب

### حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی\*

#### چکیده:

ایران و مصر به عنوان دو کانون اصلی تمدن شرق، از گذشته با یکدیگر مرابوده داشته و در پیشبرد تاریخ و تمدن بشری نقشی حیاتی ایفا کرده‌اند. در طول تاریخ، مردم ایران و مصر همواره به همکاری روزافزون تمایل نشان می‌دادند. آشنایی با پیشینه تاریخی و فرهنگی روابط دو کشور می‌تواند ما را در درک موقعیت‌ها و ضرورت‌های کنونی کمک نماید. این مقاله به بررسی مناسبات ایران و مصر در دوران‌های قدیم و پس از اسلام و در قرن اخیر و نیز نقش روحانیون در روابط دو کشور، حرکت اصلاحی سید جمال‌الدین حسینی [اسدآبادی]، و شیخ محمدتقی قمی پرداخته و در پایان نیز نقش ایران و مصر در چالش جهانی شدن و گفت‌وگوی تمدن‌ها را بررسی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تقریب بین مذاهب، روابط حرکت اصلاحی، جهانی شدن، گفت‌وگوی تمدن‌ها

#### مقدمه:

ایران و مصر به عنوان دو مرکز عمده و دو حوزه اصلی تمدن شرق، از دیر باز با یکدیگر ارتباط داشته، در پیشبرد تاریخ و تمدن بشری نقشی بسیار تعیین کننده ایفا کرده‌اند. آغاز این روابط به زمان‌های بسیار دور باز می‌گردد؛ زمانی که هر دو کشور «گهواره تمدن» خوانده می‌شدند. در طول تاریخ این روابط، اگر چه شاهان وقت، گاهی از سر حسادت و زمانی دیگر بر اثر رقابت، یکدیگر را به چالش می‌طلبیدند، ولی مردم ایران و مصر همواره به ارتباط و همکاری بیش‌تر تمایل نشان می‌دادند. به هر حال، آشنایی با سابقه تاریخی و فرهنگی روابط دو کشور می‌تواند ما را در زمینه شناخت موقعیت‌ها، ضرورت‌ها و شرایط حاضر که بسط و تحکیم روابط را در راستای مصالح کشور و امت اسلامی، امری ضروری ساخته است، یاری کند.

\* محقق و پژوهش‌گر و عضو هیئت علمی کنفرانس وحدت

## مناسبات ایران و مصر در عهد باستان

بر اساس اسناد تاریخی موجود، ایرانیان به فرمان «کورش» و توسط جانشین وی «کمبوجیه» بر مصر تسلط یافتند. اگر چه مورخان یونان به ویژه «هرودوت» با ذکر نکات منفی از عملکرد ایرانیان در مصر به تحریف تاریخ پرداخته‌اند، ولی منابع قدیم مصری از رفتار ایرانیان با مصریان به نیکی یاد کرده‌اند. اداره «میراث فرهنگی» و باستان‌شناسی مصر به منظور دستیابی به این منابع، اخیراً گروهی را جهت کشف آثار لشکرکشی «کمبوجیه» به بیابان‌های مصر اعزام کرده است. کانون عملیات اکتشافاتی این گروه در کویر مصر میان واحه الخارجة و واحه الداخلة قرار دارد.

«داریوش» در تکمیل فتوحات «کمبوجیه» از جنوب مصر به سوی حبشه لشکرکشی نمود. بر اساس کتیبه‌ای که به چهار زبان فارسی باستان، ایلامی، آشوری و مصری نوشته شده، «داریوش» طرح‌هایی برای حفر کانالی میان دریای مدیترانه و سرخ تهیه کرده بود.

در منابع و کتاب‌های تاریخی مصری آمده است که ایرانیان در زمان هخامنشیان به فرمان «داریوش»، «تقویم» و «طب» را از مصریان آموختند. در مقابل، مصریان از نظام آبیاری ایرانیان، یعنی «قنات»، الگوبرداری کردند! هم‌چنین به دستور داریوش کتابخانه‌هایی در مصر احداث گردید که تا آن زمان در این کشور ناشناخته بود.

«قلقشندی» در «صبح الاعشی»، از برگزاری جشن نوروز (النوروز) در مصر سخن می‌گوید. علاوه بر این که مصریان بعدها به تقلید از ایرانیان، روز اعتدال بهاری (شم النسیم) را جشن گرفتند و مهرگان (مهرجان)، روز آغاز سال کشاورزی مصریان گردید...

روابط ایران و مصر به دنبال حملات «اسکندر مقدونی» و تسلط جانشینان وی بر منطقه، بیش‌تر تحت تأثیر سیاست جنگی و مناسبات متشنج ایران و روم قرار گرفت، همان‌طور که فراز و نشیب‌های دیگر همواره در روابط دو کشور، وجود داشته است.

## روابط ایران و مصر در دوران پس از اسلام

پس از پیدایش و ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و گسترش آن به سمت شرق و غرب، مردم ایران و مصر نیز به اسلام گرویدند. در نیروهای رزمی ارتش اسلام که برای فتح مصر آماده می‌شدند، شماری از ایرانیان حضور داشتند که بیش‌تر آن‌ها خراسانی بودند. بعدها گروهی از ایرانیان با مهاجرت به مصر، در این کشور اقامت نمودند. شماری از فرزندان سلمان فارسی (از اصحاب بزرگوار پیامبر ﷺ) در مصر و شماری دیگر در ایران می‌زیستند. در آن دوره همه مسلمانان بر محور اسلام

گرد آمده بودند و مسئله هویت قومی یا وابستگی جغرافیایی، امری فرعی تلقی می‌شد. به همین دلیل، نشانه‌های فراوانی از تبادل فرهنگی، سیاسی، علمی و اقتصادی میان کلیه ملت‌های اسلامی از جمله ایران و مصر وجود دارد.

«لیث بن سعد» امام فقه و حدیث متولد سال ۹۴ هجری که آوازه‌اش در میان مردم مصر پیچیده بود ایرانی الاصل است. «کندی» در کتاب «ولایة مصر» تصریح می‌کند که بسیاری از استادان مصر در دوره او ایرانی بودند. وی حتی زادگاه این افراد را هم ذکر می‌کند، مثلاً می‌گوید: «عون بن یزید» از اهالی گرگان و «هرثمة ابن أعین» از اهالی بلخ است.

مورخان از چند شاعر ایرانی یاد کرده‌اند که از قرن چهارم هجری به بعد به مصر عزیمت کرده، در آن‌جا تأثیرگذار بودند، مانند: ابونواس که بعضی وی را بزرگ‌ترین شاعر دوران عباسیان به شمار آورده‌اند. ناصر خسرو قبادیانی شاعر و حکیم مشهور نیز در قرن پنجم هجری از مصر دیدن کرد و مدتی در این کشور اقامت نمود. وی به عنوان «حجت» جزیره خراسان و در راستای تبلیغ «اسماعیلیه»، از سوی «المستنصر بالله» خلیفه فاطمی به ایران اعزام گردید. ناصر خسرو در سفرنامه خود، مطالب ارزنده‌ای درباره مصر، نیل، نحوه زندگی مردم و بناها و ساختمان‌های موجود در این کشور بیان کرده است.

سعدی از دیگر شاعران ایرانی است که در زمان ایوبیان مدتی در مصر اقامت نموده بود. ره‌آورد این سفر، مجموعه‌ای از داستان‌های پندآموزی است که شیخ اجل آن‌ها را در بوستان و گلستان آورده است.

فخرالدین عراقی شاعر و صوفی مشهور در قرن هفتم هجری به مصر رفت و مورد تکریم سلطان واقع شد و به منصب «شیخ الشیوخی» رسید. شیخ الشیوخ در آن دوران به رئیس خانقاه گفته می‌شد. نخستین خانقاه در زمان ایوبیان در مصر ساخته شد و از آن زمان به بعد، امرا و وزرای مصر در احداث خانقاه با یک‌دیگر به رقابت برخاسته، اموال فراوانی را وقف آن کردند. در دوران ممالیک، تعداد خانقاه‌ها افزایش یافت. این خانقاه‌ها در حال حاضر یکی از نشانه‌های معماری مصری است که تأثیر معماری ایرانی در آن کاملاً آشکار است.

با سقوط بغداد به دست مغول‌ها و فروپاشی حکومت‌های ایرانی و تسلط ایوبیان شام بر خلافت فاطمی، یک دوره فترت و یا حتی قطع رابطه در مناسبات ایران و مصر پیش آمد. هم‌چنین بر اثر حمله تیموریان به سرزمین‌های وابسته به «ممالیک مصر» روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. با ارزیابی روابط دو کشور در دوره‌های تاریخی اشاره شده، ملاحظه می‌شود که دوران حاکمیت فاطمیان

در مصر اوج شکوفایی روابط فرهنگی ایران و مصر بود. فاطمیان بسیاری آداب و رسوم خود را از ایرانیان گرفتند... آن‌ها دربارشان را مثل شاهان ایران آراستند و مانند ایشان برخی اعیاد را جشن گرفتند. خلیفه فاطمی مانند شاهان ساسانی، در برابر مردم، پشت پرده قرار می‌گرفت و به هنگام جلوس، پرده کنار می‌رفت و در حضور او قاریان به تلاوت قرآن کریم می‌پرداختند.

از جمله اعیادی که فاطمیان به تقلید از ایرانیان جشن می‌گرفتند، عید نوروز بود که طبق مدارک موجود، برخی از شاعران، این عید را به امیر «تمیم ابن المعز» تبریک گفته‌اند. این جشن‌ها نمایان‌گر تمایل فاطمیان به پیروی از فرهنگ و تمدن ایرانی بود. شایان ذکر است که هنر دوران فاطمی هم به شدت تحت تأثیر هنر ایران قرار داشت که در زمینه‌های بافندگی، منبت‌کاری، کنده‌کاری و کاشی‌کاری، سبک و روش هنرمندان ایرانی به روشنی دیده می‌شود. یکی دیگر از نشانه‌های ارتباط فرهنگی ایران و مصر رواج برخی از واژه‌های فارسی در زبان عربی و به ویژه در گویش مصری است. به کارگیری این واژه‌ها در مصر از طرف فاطمیان، صوفیان و عثمانیان صورت گرفت. «محمد مقبل بیگ» در کتاب «الدر التمیم فی أسماء البنات والبنین» به بسیاری از نام‌های به کار رفته در مصر اشاره می‌کند که اغلب ریشه فارسی دارند. «دکتر حسین مجیب المصری» در کتاب «ایران و مصر عبر التاريخ» (مجیب المصری) و برخی دیگر از آثار خود و «محمد نورالدین عبدالمنعم» در مقاله «الألفاظ الفارسیه فی العامیه المصریه» این واژگان را شرح داده‌اند.<sup>۱</sup>

در دوران عثمانی و به دنبال اصلاحاتی که محمد علی پاشا انجام داد<sup>۲</sup>، زبان فارسی به عنوان یک زبان علمی و تقریباً نیمه رسمی، در مصر تجدید حیات پیدا کرد که انتشار بسیاری از کتاب‌های ادبی و ارزشمند فارسی چون دیوان حافظ، مثنوی معنوی، کلیات سعدی و غیره، هم‌چنین انتشار

۱- در این مورد رجوع شود به کیهان فرهنگی ویژه نامه مصر، به همت آقای اسعدی، شماره ۹، سال نهم، آذر ماه ۱۳۷۱ و مقاله حجت.

۲- درباره پیشینه زبان و ادبیات فارسی در مصر، به طور خلاصه می‌توان گفت: ۱- زبان فارسی از زمان‌های کهن در مصر مطرح بوده و تماس‌های دو ملت ایران و مصر هیچ‌گاه قطع نشده است. حتی پیش از یادگیری زبان فارسی در مصر و مسئله ایران‌شناسی این رابطه برقرار بوده است؛ زیرا فرهنگ ایرانی یک رشته از زبان و فرهنگ عثمانی بود که در آن زمان بر ملت‌های شرق غلبه داشت و می‌دانیم که فرهنگ و زبان عثمانی تا حدودی از زبان فارسی گرفته شده است و این تأثیر و تأثر به کشورهای که تحت سلطه عثمانیان بوده‌اند، نیز سرایت کرده است. ۲- زبان فارسی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌ها، در انتشارات و موارد مکتوب نیز رواج داشته است. یعنی به خط فارسی در چاپخانه‌ها، کتاب و مجله منتشر می‌شده است. چاپخانه «بولاق» که در آغاز قرن نوزدهم تأسیس شد، بوستان و گلستان، مثنوی مولانا و آثار عطار را چاپ کرده است. ۳- در سال ۱۹۳۳ در دانشگاه قاهره دکتر عزام رساله دکتری را درباره نسخه عربی شاهنامه گذراند و این نخستین دکترای زبان فارسی در مصر بود. دکتر شورایی در دانشگاه عین‌الشمس و عبدالنعیم حسنین بعدها تلاش‌های عزام را پی گرفتند.

روزنامه‌هایی به زبان فارسی مانند: ثریا، پرورش، چهره‌نما و حکمت در مصر نقشی عمده در این باره ایفا کرد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۵۱۶ میلادی شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلسله صفوی در صدد ائتلاف با سلطان مصر «الغوری» علیه دولت عثمانی برآمد و به این منظور سفیری به همراه یک نامه دوستانه و دو بیست غلام و کنیز نزد سلطان مصر فرستاد. سلطان مصر پیشنهاد پادشاه ایران را پذیرفت و با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به جانب سوریه حرکت کرد. از این زمان روابط ایران و مصر در چارچوب روابط دیپلماتیک قابل مطالعه و بررسی است. در عهدنامه ارض روم که در سال ۱۸۴۸ میلادی توسط میرزا تقی‌خان امیر کبیر از سوی ایران امضا گردید، تصریح شده است که دولت ایران در هر یک از شهرهای ممالیک عثمانی که دارای منافع تجاری است، (بجز مکه و مدینه) می‌تواند کنسولگری تأسیس نماید.

هشت سال بعد، در سال ۱۸۵۵ میلادی، دولت ایران برای اولین بار به اعزام یک مأمور موقت به عنوان «مصلحت‌گذار» از استانبول به قاهره مبادرت نمود. در سال ۱۲۹۹ هجری قمری اختلافاتی بین تجار ایران و گمرکات مصر بر سر تنباکوی ایران پیش آمد. سفارت ایران در استانبول، «حاجی محمد صادق‌خان» را به عنوان مصلحت‌گذار و مأمور ثابت به مصر فرستاد. این اقدام، زمینه‌ساز پایه‌های اولیه برقراری مناسبات سیاسی ایران و مصر در تاریخ معاصر بوده است.

### روابط ایران و مصر در قرن بیستم

پس از پایان جنگ جهانی اول و تقسیم سلطنت عثمانی، مناسبات دو کشور گسترش یافت و علاوه بر امور تجاری، در روابط فرهنگی ایران و مصر نیز تحرکی پدید آمد. این روند نقش مؤثری در ارتقای سطح دیپلماتیک دو کشور داشت و در سال ۱۳۱۷ شمسی سفارت ایران در قاهره به سفارت کبرا تبدیل شد. در دوران فاروق، تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر رواج پیدا کرد و با اعزام اساتید زبان فارسی از سوی ایران به مصر، روابط فرهنگی و علمی طرفین گسترش بیشتری یافت. جدایی خواهر شاه مصر از شاه ایران اگر چه موجب ناراحتی خانوادگی حاکم مصر گردید، ولی در

۱- در الازهر نیز زبان فارسی به عنوان زبان دوم در بخش‌های فلسفه، تاریخ و زبان عربی در دانشکده آثار اسلامی پذیرفته شده است. به طور کلی می‌توان گفت در کم‌تر دانشگاه بزرگ مصری است که زبان فارسی در آن به نوعی مطرح نباشد. اما متأسفانه ادبیات فارسی با وجود این که نزدیک ترین ادبیات به جهان عرب است، هنوز آن طور که باید برای جامعه عرب شناخته شده نیست.

خط مشی کلی سیاست خارجی دو کشور تأثیری نداشت. با فروپاشی نظام پادشاهی در مصر و به قدرت رسیدن «افسران آزاد»، در سیاست مصر تغییراتی عمده در صحنه‌های داخلی و خارجی به وجود آمد و سرهنگ «ناصر» با رویکرد به افسانه قومیت عربی و صدور افکار ملی‌گرایی به منطقه خلیج فارس، نظام پهلوی را به چالش کشانید. در چنین شرایطی روابط دو کشور سیر نزولی به خود گرفت تا این که سرانجام در ۲۴ مرداد ۱۳۳۹ روابط دیپلماتیک قطع گردید.

در پی شکست مصیبت‌بار اعراب در جنگ ۱۹۶۷م که بر اثر سیاست‌های جاه‌طلبانه و یا اشتباه سرهنگ ناصر رخ داد، ناصر در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود تغییراتی داد. ضمن این که حمایت ظاهری ایران از اعراب در سال ۱۹۶۷ فرصت خوبی برای بهبود روابط فراهم کرد و بر اثر میانجی‌گری کویت و تماس‌های طرفین، روابط ایران و مصر بار دیگر روند صعودی پیدا کرد تا این که در هفتم شهریور ۱۳۴۹ (اوت ۱۹۷۰) دو کشور با صدور اعلامیه‌ای تصمیم به ارتقای سطح روابط با سفارت گرفتند، اما یک ماه پس از صدور اعلامیه تجدید رابطه بین دو کشور، «ناصر» فوت کرد (تکیه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۹۶).

با روی کار آمدن انور سادات، سیاست‌های مصر در عرصه خارجی تا حدود زیادی به موضع‌گیری‌های رژیم شاه نزدیک شد که روی‌گردانی سادات از بلوک شرق به سمت بلوک غرب و در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مبتنی بر «بازار آزاد» از آن جمله است. سادات پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سیاست سازش و همکاری با اسرائیل را دنبال کرد. مناسبات ایران و مصر پس از این جنگ، با اعلام آمادگی ایران برای همکاری در بازسازی مصر و افزایش تماس‌های دو جانبه به اوج خود رسید.

شاه از سیاست سادات در زمینه رفع بحران خاورمیانه از راه سازش با اسرائیل حمایت همه جانبه نمود و در واقع گسترش روابط بازرگانی و تجاری دو کشور، به منزله حمایت مادی از این سیاست بود. در تاریخ معاصر، روابط شاه و سادات دو عنصر کاملاً وابسته به امپریالیسم غرب، عصر طلایی مناسبات تهران قاهره به شمار می‌آید. پرداخت وام‌های کلان از سوی ایران به مصر، انعقاد قراردادهای گوناگون صنعتی، تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در عرصه‌های مختلف جهان‌گردی و انرژی، همگی از گرمی روابط طرفین حکایت می‌کرد. البته آمریکا از شاه برای ترغیب سادات جهت گشودن باب مذاکرات مستقیم با اسرائیل بهره‌برداری کرد. گفته می‌شود مهم‌ترین محورهای مذاکرات شاه و کارتر، در پایان سال ۱۹۷۷ همین موضوع بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۹۷۹ مناسبات سیاسی دو کشور به دلیل امضای

قرارداد کمپ دیوید توسط مصر، به دستور امام خمینی علیه السلام، قطع گردید و با پذیرش شاه مخلوع از سوی مصر روابط دو کشور متشنج شد. پس از آغاز جنگ ایران و عراق، نخست مصر هر دو طرف را محکوم کرد و مخالفت خود را با «این جنگ بیهوده میان دو کشور مسلمان و همسایه» ابراز نمود، اما مصر از این که عراق می‌توانست سدی در مقابل گسترش انقلاب اسلامی باشد، بسیار خشنود بود. با توجه به این امر بود که مصر پس از شدت یافتن جنگ، کمک‌های نظامی بسیاری به عراق کرد (مجیب‌المصری، ص ۹۷).

رشد جنبش اسلام‌خواهی در منطقه به طور اعم و در مصر به طور اخص که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روند قابل توجهی داشت موجب گردید مقامات مصری، جمهوری اسلامی ایران را به دخالت در امور داخلی کشور خود متهم کنند! ولی هیچ‌گاه نتوانستند مدرک و سندی در این مورد ارائه نمایند. با این حال، دولت مصر با عنوان کردن این اتهام، در تاریخ سیزدهم اسفند ماه ۱۳۶۶ اقدام به بستن «دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران» در قاهره نمود.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران در یک حرکت بشردوستانه و به طور یک جانبه، اسرای مصری را که در طول جنگ در کنار نیروهای عراقی به اسارت درآمده بودند، از طریق وساطت شیخ محمد غزالی، روحانی برجسته مصری، آزاد کرد. پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس و آزادسازی کویت توسط نیروهای متفقین به رهبری آمریکا، بار دیگر نقشه سیاسی خاورمیانه دگرگون شد. این دگرگونی‌ها و تحولات، زمینه مناسبی برای نزدیکی تهران و قاهره فراهم آورد و در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ دفاتر حفاظت منافع دو کشور در تهران و قاهره گشایش یافت. از آن زمان تا کنون مقامات دو کشور - عمدتاً وزرای خارجه - طی تماس‌ها و گفت‌وگوهای دو جانبه در صدد بهبود مناسبات برآمده و می‌کوشند سطح آن را ارتقا دهند (احمد هاشم، ۱۳۷۲، ص ۷۸).

طی یک دهه گذشته دو کشور در مسایل بین‌المللی زیر همکاری خوبی با یکدیگر داشته‌اند:

- ۱ - هماهنگی مواضع دو کشور در مسئله بوسنی و کمک به مسلمانان آن کشور؛
- ۲ - موضع‌گیری نزدیک دو کشور درباره NPT (بیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی)؛
- ۳ - رایزنی‌های دو کشور در مسئله حقوق بشر که به تغییر رأی مصر نسبت به قطع‌نامه حقوق بشر علیه ایران از مثبت به ممتنع انجامید؛

۴ - همکاری دو کشور در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و شرکت «عمرو موسی» وزیر خارجه مصر در اجلاس تهران و در پیش گرفتن مواضع مشترک در بسیاری از مسایل مطرح شده در کمیته‌های کنفرانس.

در سطح همکاری‌های منطقه‌ای نیز دو کشور در موارد بسیاری مواضع مشترک دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - ضرورت جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی؛

۲ - حمایت از تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از تجزیه آن؛

۳ - طرح خلع سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی در خاورمیانه.

در بعد روابط دو جانبه می‌توان به همکاری‌های زیر اشاره کرد:

الف - همکاری‌های اقتصادی: روند بهبود مناسبات اقتصادی پس از گشایش مجدد دفاتر حفاظت منافع دو کشور با جدیت دنبال شده است.

در این زمینه ساخت پنج کارخانه نیشکر در استان خراسان از سوی مصر و امضای یادداشت تفاهم برای فروش یک هزار دستگاه تراکتور به بخش خصوصی مصر و مبادلات تجاری دیگر، از جمله فعالیت‌های اقتصادی قابل ذکر است.

ب - همکاری‌های فرهنگی: امضای توافق‌نامه همکاری‌های علمی میان دانشگاه عین‌شمس مصر و دانشگاه علامه طباطبائی، سفر برخی علمای برجسته و شخصیت‌های علمی، ادبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مصر و ملاقات آن‌ها با شیخ الازهر و دیدار شخصیت‌های علمی و مطبوعاتی مصر با مسئولان ایران، هم‌چنین نمایش فیلم‌های ایرانی در مصر و دیدارهای دوستانه ورزشی جزء فعالیت‌های فرهنگی سال‌های اخیر به شمار می‌آید.

البته همه مواضع و موارد اشاره شده را می‌توان در چارچوب دور شدن تدریجی مصر از کمپ دیوید تلقی کرد.

### نقش علما و روحانیون در روابط ایران و مصر

بی‌تردید مردم ایران و مصر از نظر دین‌داری و توجه به امور مذهبی با یک‌دیگر شباهت‌های فراوانی دارند. هر دو ملت در مبارزات ضداستعماری خود از عامل دین به عنوان انگیزه‌ای برای «جهاد» علیه استعمارگران بهره بردند. تاریخ گواه است که ارتشیان مصر در «جنگ رمضان» با ندای «الله اکبر» از کانال سوئز عبور کردند و استحکامات خط بارلو را در هم شکستند.

هم‌چنین عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از شاخصه‌های مذهبی مشترک است که به روشنی نزد ایرانیان و مصریان دیده می‌شود. در این میان، نقش علما و روحانیون آگاه در نزدیک سازی دو ملت ایران و مصر بسیار با اهمیت است. در این جا به ذکر دو نمونه، یعنی تأثیر حرکت



اصلاحی سید جمال‌الدین حسینی [اسدآبادی] و حرکت تقریب بین مذاهب شیخ محمدتقی قمی در تحولات ایران و مصر و کل منطقه اکتفا می‌کنیم.

### حرکت اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال در اواخر سال ۱۲۸۵ قمری برای اولین بار از هند وارد مصر شد. مدت اقامت وی در این سفر فقط چهل روز بود، اما سید در این مدت کوتاه با الازهر آشنا شد و از آن‌جا عازم حج گردید. این مراجعت زودهنگام سید موجب تأثر طلاب الازهر شد.

در سفر دوم که با آغاز محرم ۱۲۸۷ ق آغاز شد، سید در ظاهر به قصد اقامت درازمدت به قاهره رفت. این بار او در «سرای ابراهیم بیک مویلیگی» در نزدیکی «مسجد سیدنا الحسین» اقامت نمود، ولی بعد به خان‌الخلیلی رفت و به درخواست طلاب الازهر به تدریس کلام، فلسفه، فقه و نجوم پرداخت. طبق نوشته مورخان و یادداشت‌های سید در پشت جلد کتاب‌ها، وی کتاب‌های «زوراء» تألیف شیخ جلال‌الدین دوانی در تصوف، «شرح قطب بر شمسیه» در منطق، «هدایه» و «اشارات و حکمت الاشراق» در فلسفه، «شرح العقائد العضدیه» جلال‌الدین دوانی در کلام و «تذکره» شیخ طوسی در علم هیئت قدیم را تدریس می‌کرد. (مجموعه تقریرات درس وی در شرح عقاید، بعدها به نام شیخ عبده در مصر چاپ شده است).

از شاگردان مشهور سید می‌توان به شیخ محمد عبده، شیخ عبدالکریم سلمان، شیخ ابراهیم لقانی و شیخ ابراهیم حلباوی اشاره نمود.

سید برای این گروه، علوم رسمی حوزوی و الازهری تدریس می‌کرد، اما گروه دیگری هم بودند که در فرصت‌های مناسب از درس سید در علوم اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کردند و این دروس دوره‌ای، گاهی در منازل افراد عرضه می‌شد و شاگردان معروف این دوره‌ها: محمود سامی البارودی، عبدالسلام مویلیحی و برادرش ابراهیم مویلیحی، سعد زغلول، علی مظهر، سلیم نقاش، ادیب‌اسحاق و دیگران بودند. «احمد امین» در کتاب خود ضمن شرح حال سید می‌نویسد: «سید از تدریس در مصر چه می‌خواست؟» و سپس پاسخ می‌دهد: «سید از تدریس علوم الازهری و غیرحوزوی، دو هدف داشت: هدف اول بیداری طلاب و روشن‌شدن اذهان الازهریان بود تا آنان را با دنیای جدید آشنا کند، به ویژه با فلسفه که پس از دوران فاطمیان در مصر، تعطیل و تحریم شده بود». (امین، ص ۲۹۳). شیخ محمد عبده در مقدمه رساله «الواردات فی سرّ التجلیات» می‌نویسد: «من وقتی سراغ فلسفه را گرفتم، در الازهر به من گفتند فلسفه حرام است: «کلما سألت اجابونی بان الاشتغال بها حرام تا این

که خورشید حقایق ظهور کرد و به وجود حضرت الحکیم الکامل و الحق القائم استادنا السید جمال الدین الافغانی لطایفی از آن بر ما آشکار شد و از او در این باب خواستار شدیم و شکر خدا را که اجابت کرد...» (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

بر اساس همین تأثیر روحی و معنوی است که به نقل از «زعماء الاصلاح في العصر الحديث» شیخ درباره سید می‌گوید: «ان أبي وهبني حياة يشاركني فيها على ومحروس السيد جمال الدين وهبني حياة أشارك فيها محمداً و ابراهيم و موسى و عيسى و الاولياء و القديسين...» (امین، پیشین). در همین دوران بود که عبده، رساله «نیجریه»<sup>۱</sup> را با همکاری ابوتراب شاگرد ایرانی سید به عربی ترجمه و با مقدمه مشروحی در قاهره چاپ نمود.

هدف دوم سید از رایة درس‌های عمومی، بیداری مردم مصر و نقد حکومت استبدادی و افشای مظالم استعمار بود. سید به صراحت از اشغال کشورهای اسلامی مغرب، تونس و الجزایر به دست فرانسه و اشغال مصر و سودان و دیگر بلاد اسلامی به دست انگلستان به شدت انتقاد می‌کرد و در همین راستا سرانجام «حزب الوطنی» را در مصر تأسیس کرد که مرحوم «سید محمد رشید رضا» در کتاب «تاریخ الاستاذ الامام»، از آن به نام الحزب الوطنی الحر یاد می‌کند.

به هر حال، نقش سید در تحول الازهر، بیداری مردم مصر و آگاهی سیاست‌مداران، روشن است، اما این حرکت بدون همکاری و همدلی طرف مصری شیخ محمد عبده و دیگران هرگز امکان‌پذیر نبود و به همین دلیل سرانجام رجال حکومت مصر به درخواست انگلیس سید را از مصر اخراج کردند، ولی او به پاریس رفت و «العروة الوثقی» را با همکاری شیخ محمد عبده منتشر ساخت که خود داستان جداگانه‌ای دارد.<sup>۲</sup>

### تقریب بین مذاهب

مورد دیگری که اهمیت خاصی در جهان داشته و دارد، مسئله پیدایش «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة» در مصر است. مرحوم شیخ محمود شلتوت در قصة التقریب به تفصیل در این باره بحث کرده است و این رساله شیخ در فصل‌نامه «رسالة الاسلام» آمده و بعد به طور مستقل چاپ

۱- «رسالة نیجریه» یا ناتورالیسم سید که در زمان اقامت وی در هند تألیف و منتشر شده و بارها به زبان‌های مختلف چاپ شده است، توسط شیخ محمد عبده با همکاری ابوتراب، شاگرد سید، به عربی ترجمه گشته که اخیراً در ضمن «رسائل فی الفلسفة والعرفان»، تحت عنوان الرد علی الدهرین با توضیحات برای بار دوم به چاپ رسیده است.

۲- العروة الوثقی، یک نشریه فرهنگی سیاسی بود که به طور ماهیانه توسط سید با همکاری شیخ محمد عبده در پاریس منتشر می‌گردید، ولی پس از ۱۸ شماره، از انتشار آن جلوگیری شد... مجموعه ۱۸ شماره آن با مقدمه و توضیحات این جانب اخیراً برای بار چهارم از سوی مرکز بررسی‌های اسلامی قم منتشر شده است.

شده است. استاد محمدتقی قمی یک شیخ ایرانی بود که ظاهراً برای انجام امور فرهنگی از سوی دولت ایران به مصر اعزام شده بود، اما او با الازهر تماس برقرار می‌کند. نتیجه این تلاش، آشنایی با شیوخ بزرگواری چون شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد فحام، شیخ محمد ابوزهره، شیخ محمد غزالی و شیخ حسن البناء و دیگران است.

چنین بود که دارالتقرب شکل گرفت. دوره کامل ۱۵ ساله «رسالة الاسلام قاهره» که از سوی مجمع التقرب تهران، به طور کامل تجدید چاپ شده است، تاریخ این حرکت اصلاحی ایرانی مصری را نشان می‌دهد.

بی‌تردید اگر همکاری علمای بزرگ مصر و ایران (مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی) نبود، شیخ قمی به تنهایی قادر به انجام کاری نبود. در نتیجه همین تلاش‌ها بود که سرانجام فتوای معروف شیخ محمود شلتوت: «يجوز التعبد بمذهب الشيعة كسائر المذاهب» صادر شد و بعد فقه شیعه در الازهر تدریس شد و تفسیر «مجمع البيان» در قاهره به چاپ رسید و...

بی‌تردید این حرکت ایرانی مصری، در واقع بسیاری از مشکلات و اختلافات شیعه و سنی در جهان اسلام را بر طرف ساخت و ما اگر امروز شاهد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان همه مذاهب اسلامی در بلاد اسلامی هستیم، نتیجه همکاری علمای مصری ایرانی است و باید این راه با همکاری ایران و مصر استمرار یابد.

### ایران و مصر و چالش جهانی شدن

امروز ایران با همکاری مصر و دیگر کشورهای اسلامی می‌تواند قدرت‌مندانه در مسئله جهانی شدن موضع بگیرد. پدیده جهانی شدن بر خلاف ظاهر زیبا و فریبنده آن ابعاد منفی فراوانی دارد. جهانی شدن در واقع، آغاز دوران پس از استعمار است؛ مانند پسامدرنیسم که به دنبال مدرنیسم مطرح شده است! واژه جهانی شدن (Globalization) برای نخستین بار در آمریکا رواج یافت و هدف ظاهری آن تعمیم هر چیزی برای همه است!

پیش از پرداختن به تأثیر جهانی شدن در عرصه‌های فرهنگ، اخلاق، قومیت‌ها و ملیت‌ها، به پاره‌ای از تأثیرات جهانی شدن در عرصه اقتصاد اشاره می‌گردد.

اقتصاددانان بین‌المللی می‌گویند پنج کشور آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان و انگلستان، ۱۷۲ شرکت از ۲۰۰ شرکت چندملیتی بزرگ دنیا را در اختیار دارند. این دویست شرکت یا تراست جهانی که در عمل، اقتصاد همه دنیا را می‌چرخانند، هم‌چنان در پی آن‌اند که سیطره جهانی خود را استحکام

بخشند. طبق گزارش سازمان ملل، حجم منابع مالی و نقدی ۳۵۸ نفر از ثروتمندان جهان با حجم منابع مالی دو میلیارد و نیم انسان برابر است! به عبارت دیگر، ۲۰ درصد ثروتمندان جهان ۸۰ درصد تولید خام داخلی در سطح دنیا را به خود اختصاص داده‌اند و از این ره گذر بر نفوذ و سیطره خویش بر فقرای سرزمین خود و کشورهای فقیر و جهان سوم می‌افزایند.

نتیجه این ثروت‌اندوزی و افزون‌طلبی آن است که میانگین ثروت در خود آمریکا در بین سرمایه‌داران بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵، ۶۰ درصد افزایش یافته است، ولی شمار کسانی که از این ثروت در خود آمریکا بهره‌مند می‌شوند، حتی از یک درصد مردم آمریکا کم‌تر است. یک محقق آمریکایی اظهار نگرانی می‌کند که طبقه متوسط آمریکا به سرعت به سوی طبقه جهان سومی پیش می‌رود.<sup>۱</sup>

در فرانسه نیز تنها ۲۰ درصد فرانسوی‌ها ۷۰ درصد ثروت ملی کشور را در انحصار خود دارند، در حالی که ۲۰ درصد مردم فقیر فرانسه، فقط قادرند از ۶ درصد ثروت ملی استفاده نمایند. در ژاپن، آلمان و انگلیس نیز اوضاع کم و بیش بر همین منوال است. به هر حال، پدیده جهانی شدن به دنبال تحقق یک جهان انسانی‌تر، عادلانه‌تر و سالم‌تر نیست، بلکه این یک ایدئولوژی پر زرق و برقی است که تحقق خواسته‌ها و اهداف توسعه‌طلبانه خود را دنبال می‌نماید.

دکتر محمد عابد الجابری در این باره می‌گوید: «اهداف جهانی شدن روشن است؛ جهانی شدن موجودیت‌های سه‌گانه دولت، ملت و میهن را هدف قرار داده است. اگر این سه موجودیت را از میان برداریم، چه چیز باقی می‌ماند؟ آن چه می‌ماند، جای‌گزین همه موجودیت‌ها می‌شود: امپراتوری جهانی یعنی شرکت‌ها و مؤسسات چندملیتی که راه‌اندازی، جهت‌دهی و رهبری جهان را بر عهده دارد و به این ترتیب در همه جا جای‌گزین دولت می‌شود».

ایران و مصر با روابط بهتر و بیش‌تر در گروه ۱۵ که حالا باید آن را ۱۶ یا ۱۹ بنامیم می‌توانند با قدرت و توان مضاعف، پدیده جهانی شدن را بررسی کنند.

۱- U.Study تصریح می‌کند: توفیق آمریکا در ترسیم دستور کار سازمان تجارت جهانی و دور نمای تجاری جهان، دنیا را نگران کرده است. «رابط خبری یک روزنامه دانمارکی در آمریکا در این باره می‌نویسد: دید عمومی این است که روند جهانی سازی، خیابان یک طرفه‌ای است که تنها به نفع آمریکا تمام می‌شود؛ سؤال این است که آیا آمریکا در دوران جهانی شدن هم‌چنان مسلط بر جهان باقی خواهد ماند؟ از لحاظ نظری، حرکت آزاد سرمایه، نیروی کار و کالا و هم‌چنین دسترسی به فناوری، سراسر جهان را به روی شرکت‌ها و کشورهای مختلف باز خواهد کرد، ولی به گفته یکی از مشاوران ارشد بانک توسعه، در حال حاضر الگوی غالب، آمریکا است و مردم هیچ الگوی دیگری برای نسخه برداری ندارند...»

البته از این مهم‌تر، بعد فرهنگی و اخلاقی پدیده جهانی شدن است: گسترش ارتباطات، ماهواره و اینترنت اگر چه جنبه‌های سودمندی دارد، ولی در امور اخلاقی، جهان را به سوی بحران و انحطاط وحشتناکی پیش می‌برد! این امر چاره‌اندیشی سریع و فوری می‌طلبد که در این میان الازهر مصر با تاریخ هزارساله و حوزه علمیه قم با سابقهٔ پر بار و درخشان خود، وظیفه دارند برای مقابله با آن، راه‌حل مناسبی ارائه کنند.

### ایران و مصر و طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها

سال گذشته کنفرانسی دربارهٔ نقش تمدن‌های مصر، ایران، ایتالیا، و یونان در تهران برگزار شد. بی‌تردید این قبیل نشست‌ها در شناخت گذشته و تاریخ تمدن‌ها سودمند است، ولی باید توجه نمود که گذشتهٔ ما و تمدن اسلامی ایران و مصر سد مستحکمی است که می‌توان به آن تکیه نمود، اما حرکت ما باید رو به جلو باشد.<sup>۱</sup> لازم است در شرایط کنونی برای دنیای امروز، طرحی نو درانداخت. تمدن اسلامی تکامل بخش تمدن‌های پیشین است و برای مشکلات حاضر در سطح جهان نیز می‌تواند راه‌حل ارائه نماید.

طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها که توسط آقای خاتمی مطرح شده است، در یک بخش قصد مقابله با یورش فرهنگ آمریکایی و تسلط آن بر جهان دارد. پوشیده نیست که تمدن‌ها و فرهنگ‌های متعددی در جهان وجود دارند که هر کدام در شکل‌گیری شخصیت مستقل هر یک از ملت‌های جهان نقش دارند، ولی امروز شاهد آن هستیم که ملت‌های جهان از روند تزریق یک نوع فرهنگ خاص که به شیوه‌های گوناگون تبلیغاتی و با استفاده از فن‌آوری جدید ارتباطات انجام می‌گیرد، احساس نگرانی می‌کنند.

منظور از این روند، آمریکایی کردن فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها است که جهان را در نوردیده است. اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها به دنبال اثبات این مطلب است که در دنیای امروز فرهنگ‌ها و

۱- با توجه به این که بخش عظیمی از تمدن انسانی مرهون کوشش‌های مردم است و نقش بارز ایران نیز در تکامل تمدن بشری بر کسی پوشیده نیست، چگونه می‌توان گفت‌وگوی تمدن‌ها را به بار نشان داد در حالی که یک‌بخش عمده آن، به گفت‌وگو پیوسته است؟ البته مراد ما از گفت‌وگو تمدن‌ها و نقش ایران و مصر در آن، گفت‌وگو دربارهٔ آثار باستانی و یا گذشتهٔ تاریخ درخشان نیست، ما قصد نداریم نقش گذشتهٔ تمدن‌های یونان و مصر و ایران را برجسته کنیم، ولی برای امروز خود و دنیای بشری طرحی نداشته باشیم. تمدن اسلامی طلیعه‌دار تمدن‌های بشری است. فرهنگ اسلامی نجات‌بخش انسان‌ها و راه‌گشای حل مشکلات آن‌ها است. ما در این گفت‌وگوها، به عنوان عناصری مسلمانان، با فرهنگی غنی و پرمایه، باید برای جهان امروز طرحی ویژه عرضه کنیم.

تمدن‌های متعدد حق دارند با حفظ استقلال و موجودیت خود از طریق تعامل فرهنگی و تمدنی در راستای ساختن دنیای جدید سرشار از صلح و تفاهم، تلاش کنند. ایران و مصر با فرهنگ غنی و پرمایه خود می‌توانند با ورود به این عرصه و با هم‌فکری و هم‌دلی، این راه را هموار سازند. بدیهی است این دو کشور ابتدا باید با یک‌دیگر به گفت‌وگو بپردازند تا در مرحله بعدی بتوانند ابتکارآتی مشترک در زمینه گفت‌وگوی تمدن‌ها عرضه نمایند.

### جمع‌بندی

با بررسی اجمالی سوابق تاریخی و فرهنگی ایران و مصر، به‌ویژه پس از اسلام، می‌توان پیوندهای عمیقی برای استحکام روابط در ابعاد گوناگون، پیدا کرد. البته در چند سال اخیر دو کشور مواضع مشترکی در قبال بسیاری از مسایل منطقه‌ای و جهانی از خود به نمایش گذاشته‌اند. افزون بر آنچه قبلاً بیان گردید، مصر و ایران در بحران دو سال قبل ترکیه و سوریه نقش سازنده‌ای ایفا کردند. البته نه به این معنا که هر دو کشور با هماهنگی کامل به این بحران‌زدایی دست زدند، ولی این امر نشان‌گر این است که با همکاری‌های نزدیک‌تر می‌توان از بحران‌های سخت جلوگیری کرد.

هم‌چنین در دو سه سال اخیر شاهد بوده‌ایم که مواضع ایران و مصر در قبال اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی بسیار به هم نزدیک شده است. مردم مصر همانند مردم ایران و ملت لبنان و سایر ملت‌های عرب و مسلمان شادمانی خود را از پیروزی مقاومت اسلامی لبنان ابراز نمودند و پیش از آن هم دولت مصر، به طور رسمی از مبارزه حزب‌الله علیه اشغال‌گران پشتیبانی کرد.

مصر در مورد محاکمه جاسوسان اسرائیلی در ایران، به طور رسمی اعلام کرد که ایران حق دارد به عنوان یک کشور مستقل طبق موازین و قوانین خود اقدام کند. مواضع مصر در قبال برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی، پشتیبانی این کشور از عضویت ایران در گروه ۱۵ و پس از آن تماس تلفنی رؤسای جمهوری دو کشور، یخ‌های روابط پیشین را ذوب کرده است.<sup>۱</sup>

چشم‌انداز همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های گوناگون بسیار روشن است. این همکاری‌ها برای جهان اسلام نتایج حیاتی در بردارد، به‌ویژه مسئله فلسطین و قدس شریف با همکاری مصر و ایران و دیگر کشورهای اسلامی قابل حل خواهد بود. بی‌تردید رژیم صهیونیستی برای مخالفت با بهبود روابط ایران و مصر، موانعی بر سر راه دو کشور قرار داده و می‌دهد، زیرا تنها برنده اختلاف

۱- جالب است بدانیم که رییس جمهوری مصر در «آمریکا» در پاسخ خبرنگاران در مورد تهدید مجهز شدن ایران به سلاح‌های اتمی، گفت: «ما نباید از کاری که هنوز نشده نگران باشیم، خطر واقعی امروز برنامه هسته‌ای اسرائیل است و ما باید این رژیم را وادار کنیم که به کنوانسیون منع تولید و سلاح‌های کشتار جمعی بپیوندد».

میان دو کشور، رژیم صهیونیستی است. ولی خردمندی و تدبیر رهبران دو کشور می‌تواند این توطئه‌ها را خنثی سازد.

به هر حال، مصر جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان دارد. در قرآن مجید در پنج مورد نام «مصر» به کار رفته است و این افتخار نصیب دیگر کشورها نیست. برای مثال، در سوره یونس/۸۷ می‌خوانیم: «وَأُخِيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُنَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» و در سوره یوسف/۹۹ می‌فرماید: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ». در هر دو مورد، سخن از پناه‌دادن و قبله قرار دادن خانه‌ها و اقامه نماز در آن‌ها و سپس بشارت بر مؤمنان و در امان بودن آن‌ها، به میان آمده است.

بی‌هیچ تردید، برای امت مسلمان و جهان اسلام خسارت بزرگی است که «مصر» را از دست بدهد. ما با مصر در مسئله کمپ دیوید اختلاف اصولی و ریشه‌ای داریم و موضع جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین از شفاف‌ترین مواضع است و چگونگی آن هم بر همه روشن است، ولی به باور ما، مسایل سیاسی قابل تغییر و تحول، نباید مانع از تلاقی و ارتباط دو کشور در مسایل دو جانبه و مسایل مبتلا به جهان اسلام شود.

مسئله مورد اختلاف را باید به تدریج حل کرد. ضمن این که فقط نباید به موارد اختلافی نگاه کرد و موارد وفاق را نادیده گرفت. آیا فقط از راه «حمله» و «قطع رابطه» می‌توان مسایل مورد اختلاف را بر طرف ساخت یا راه‌های دیگری هم برای این امور وجود دارد؟ در جایی که ما با «اهل کتاب» با استناد صحیح به آیه‌ای از قرآن مجید، آماده «گفت و گو» و «تبادل نظر» هستیم، چرا با «اهل ایمان» و برادران دینی خود در موارد اختلاف، به گفت‌وگو ننشینیم؟

به طور کلی در هیچ جای دنیا، رهبران احزاب و سیاستمداران حاکم، حتی در ایران، در همه امور هم‌فکر و هم‌رأی نیستند، اما آن‌ها همواره می‌کوشند موارد اختلاف را به «حداقل» برسانند و در تکامل و پیشرفت جامعه و امور کشور خود پیش بروند. یکی از ائمه اهل سنت در جمله‌ای پربار می‌گوید: «در امور مورد توافق با هم متحد شویم و در موارد اختلاف یک‌دیگر را معذور بداریم» و این بهترین راه است.

مصر در آخرین کنفرانس گروه ۱۵ از عضویت ایران در آن دفاع کرد و پس از آن، رئیس جمهور مصر به طور رسمی با رئیس جمهور ایران تماس گرفت و این پیام را به وی ابلاغ نمود. وزیر خارجه [وقت] مصر، عمرو موسی، در ملاقات‌های مکرر خود با دکتر ولایتی و بعد دکتر خرازی همواره مواضع دوستانه و برادرانه مصر را در قبال ایران ابراز داشته است و این نوع اقدامات، گام‌های دیگری در راه دوری از «کمپ دیوید» است.

## منابع و مأخذ

- ۱- احمد هاشم، «امنیت ملی مصر و ایران و خلیج فارس»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- امین، احمد، زعماء، الصلاح في العصر الحديث، قاهره.
- ۳- تکیه‌ای، مهدی، کتاب سیزمصر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴- حسینی، سید جمال‌الدین، «رسائل في الفلسفة والعرفان»، مرکز بررسی‌های اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۵- مجیب المصری، حسین، ایران و مصر عبرالتاریخ، قاهره.

